

بسم الله الرحمن الرحيم

## تحولات سودان

### دلایل تنش‌ها و بازیگران دخیل در آن

**چکیده:**

۱- بعد از به دست گرفتن زمام قدرت توسط نظامیان و ژنرال برهان، سودان وارد بحران تازه‌ای شد. عامل مهمی که در کاهش مقبولیت ژنرال برهان در افکار عمومی تاثیر بسزایی داشت، بحث عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی بود که وی با این اقدام عملاً خود را در مقابل مردم سودان قرار داد.

۲- اکنون نیز نزدیک به دو هفته است که تنش‌ها و درگیری‌های مختلفی در سودان به وجود آمده که این تنش‌ها بین ارتش به ریاست ژنرال برهان و نیروهای واکنش سریع به ریاست حمیدتی است این تنش‌ها شرایطی را به وجود آورده که بازیگران مختلفی نیز در آن نقش آفرینی می‌کنند و همین امر منجر به بروز وضعیتی شده که بحران کنونی می‌تواند ادامه‌دار باشد و فعلاً چشم‌انداز روشنی برای آن وجود نداشته باشد.

۳- اما نقش بازیگران خارجی و منافی که آنها در سودان دارند را نباید نادیده گرفت. استراتژی روسیه از سالیان گذشته بر این امر استوار بوده که بر نقاطی که تحت کنترل دولت‌های اروپایی است، تسلط پیدا کند.

۴- رژیم صهیونیستی از سال ۲۰۱۹ میلادی به سمت عادی سازی روابط با کشورهای عربی حرکت کرده و این عادی سازی را در سه مرحله پیگیری می‌کند. گام اول عادی سازی در عرصه سیاسی، گام دوم در بحث امنیتی و نهایتاً در عرصه اجتماعی است.

۵- تجزیه سودان و تبدیل شدن آن به ۴ منطقه (دارفور، کردفان، خارطوم و مناطق شمال شرقی سودان) لایه‌بندی اجتماعی را برای صهیونیست‌ها فراهم خواهد کرد و درگیری‌های فعلی بهترین سناریو برای این رژیم است.

۶- منافع بازیگران خارجی نیز در تداوم بحران در سودان است و براساس سه سناریو یعنی تفاهم سیاسی، ادامه جنگ و تقسیم قدرت می‌توان سناریوی اصلی را تقسیم قدرت دانست که حمیدتی در غرب سودان و برهان در شرق سودان متمرکز شوند.

## تحولات سودان

### دلایل تنش‌ها و بازیگران دخیل در آن

مقدمه:

بعد از کودتای نظامی علیه عمرالبشیر در فروردین ۱۳۹۸ و به دست گرفتن زمام قدرت توسط نظامیان و ژنرال برهان، این کشور وارد بحران تازه‌ای شد. برهان قول داده بود که مقدمات انتخابات را فراهم کند و یک حکومت غیرنظامی تشکیل دهد اما در عمل مشاهده شد که وی چندان به این روند اعتقادی ندارد و قصد کناره‌گیری از قدرت ندارد. عامل مهمی که در کاهش مقبولیت ژنرال برهان در افکار عمومی تاثیر بسزایی داشت، بحث عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی بود که وی با این اقدام عملاً خود را در مقابل مردم سودان قرار داد. هرچند وی با این اقدام به دنبال جلب نظر آمریکا در جهت بهبود وضعیت اقتصادی سودان و تثبیت موقعیت خود بود اما دقیقاً همان اشتباه قذافی در لیبی را مرتکب شد و حیات سیاسی - نظامی خود را به مسائلی این چنینی گره زد. اکنون نیز نزدیک به دو هفته است که تنش‌ها و درگیری‌های مختلفی در سودان به وجود آمده که این تنش‌ها بین ارتش به ریاست ژنرال برهان و نیروهای واکنش سریع به

ریاست حمیدتی است که تعداد نیروهای واکنش سریع از نظر کمی نزدیک به تعداد نیروهای ارتش سودان است. نیروهای واکنش سریع در زمان عمر البشیر و برای دفاع از دارفور از نیروهای بومی تشکیل شدند.

این تنش‌ها شرایطی را به وجود آورده که بازیگران مختلفی نیز در آن نقش آفرینی می‌کنند و همین امر منجر به بروز وضعیتی شده که بحران کنونی می‌تواند ادامه‌دار باشد و فعلاً چشم‌انداز روشنی برای آن وجود نداشته باشد. براساس همین مؤلفه‌ها و اتفاقات کنونی ابتدا به روند تاریخی اتفاقات اخیر پرداخته می‌شود و سپس نقش بازیگران داخلی و خارجی در این بحران مورد بررسی قرار می‌گیرد تا بتوان چشم‌اندازی از بحران موجود ارائه داد.

## آشنایی با سودان

سودان کشوری است در شمال شرقی آفریقا که تا قبل از جداشدن سودان جنوبی، دهمین کشور جهان از نظر وسعت بود. این کشور در سال ۱۹۵۶ استقلال خود را از انگلیس به دست آورد و در طول نزدیک به یک دهه (از سال ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۳) دچار جنگ داخلی شده که این جنگ طولانی‌ترین جنگ داخلی در قاره آفریقا بوده است. سودان در سال‌های بعد

نیز همچنان درگیر جنگ داخلی بود و این امر منجر به این شد که در سال ۲۰۱۱ میلادی در یک همه پرسی که مورد حمایت برخی بازیگران همچون آمریکا و رژیم صهیونیستی بود، بخش جنوبی از سودان جدا و کشور سودان جنوبی تشکیل شود. از سال ۱۹۸۹ تا سال ۲۰۱۹ میلادی عمرالبشیر که با یک کودتای نظامی به قدرت رسیده بود، بر این کشور حکمرانی کرد و از ۲۰۱۹ تاکنون این کشور به شکل شورای حاکمیتی اداره می‌شود. از نظر دینی حدود ۷۰ درصد مردم این کشور مسلمان، ۲۵ درصد پیروان ادیان بومی و ۵ درصد مسیحی هستند.

### **دلایل تنش‌های اخیر در سودان**

بعد از اتفاقات مختلفی که در سودان در اواخر سال ۲۰۱۸ و اوایل سال ۲۰۱۹ اتفاق افتاد، نهایتاً عمرالبشیر در سال ۲۰۱۹ میلادی از حکومت ساقط و شورای نظامی حکومت، قدرت را در دست گرفت و این شورا احزاب سیاسی را به طور کامل از دایره قدرت کنار زدند و بعدها با وساطت غربی‌ها، عربستان و امارات توافق نامه‌ای برای دوره انتقالی امضا شد که بنابر توافق صورت گرفته یک تقسیم وظیفه‌ای بین نظامیان و مدنی‌ها یا همان احزاب سیاسی صورت گرفت. براساس توافق موجود قرار بر این شد

که دوره انتقالی ۳۹ ماه باشد که قدرت به مدت ۲۱ ماه در اختیار نظامی‌ها و ۱۸ ماه باقی مانده مدنی‌ها بر شورای حاکمیت ریاست کنند. براساس توافق صورت گرفته شورای حاکمیت متشکل از ۱۱ نفر بود که ۶ نفر آن نظامی و ۵ نفر غیرنظامی بودند که عمدتاً این غیرنظامی‌ها از مدنی‌ها بودند. در این مذاکرات ژنرال برهان به ریاست شورای حاکمیت انتخاب و حمیدتی نیز به عنوان معاون وی مشغول به فعالیت شد.

ژنرال برهان در همان ابتدا گروه هیئت عملیات را منحل کرد و پایگاه‌های آن را در اختیار دعم السریع یا همان نیروهای واکنش سریع حمیدتی قرار داد که این امر منجر به بسط قدرت نیروهای واکنش سریع شد و همین امر امروزه به یک معضل برای برهان تبدیل شده که در ادامه به آن پرداخته می‌شود. هیئت عملیات یک گروهی بود که عمرالبشیر آنها را برای جنگ شهری تربیت کرده بود و همانند دعم السریع بود که عمرالبشیر آنها را برای مقابله با شورشیان دارفور ایجاد کرده بود. دعم السریع در سال ۲۰۱۳ توسط مجلس سودان به رسمیت شناخته شد و همین افراد موجود در دعم السریع بودند که نزدیک به ۵ هزار نفر به جنگ یمن اعزام شدند و

باتوجه به سابقه جنگ چریکی در دارفور به عنوان پیاده نظام نیروهای ائتلاف عربی در جنگ یمن ایفای نقش کردند.

در سال ۲۰۲۰ شورای حاکمیتی که اکنون به عنوان حکومت در سودان شناخته می‌شد با گروه‌های مسلح قبایل سودان وارد مذاکره شد و حمیدتی ریاست تیم مذاکره کننده از طرف حکومت را برعهده داشت. در این مذاکرات چند امتیاز به این گروه‌ها داده شد؛ از جمله حضور ۳ نفر از آنها در شورای حاکمیت و اعطای چند وزارت‌خانه به آنها بود. بر طبق همین مذاکرات قرار بر این شد که مدت دوره شورای حاکمیتی نیز به ۵۱ ماه برسد. این در حالی بود که طبق توافق قبلی قرار بر این شده بود که مدت دوره انتقالی ۳۹ ماهه باشد.

این وضعیت ادامه پیدا کرد و نهایتاً در سال ۲۰۲۱ و در زمانی که ریاست ژنرال برهان بر شورای حاکمیتی رو به اتمام بود، وی با یک کودتا دولت موقت را منحل و تمامی اعضای گروه های مدنی را بازداشت کرد و مدنی‌ها را از شورای حاکمیت برکنار کرد. همین کودتا و اتفاقات منجر به این شد که تدریجاً اختلافات در سودان شروع شود و همین کودتای برهان زمینه فعالیت بازیگران خارجی را فراهم کرد. تابستان همان سال یعنی در

سال ۲۰۲۱ ژنرال برهان اعلام کرد که قصد ادامه حکومت را ندارد و در صورتی که مدنی‌ها با یکدیگر برای تشکیل دولت به توافق برسند از حکومت کنار خواهد رفت. این امر منجر به این شد که در دی ماه سال ۱۴۰۱ یا همان اوایل سال ۲۰۲۳ میلادی مدنی‌ها با وساطت اتحادیه آفریقا و سازمان ملل به یک تفاهم نامه برسند که براساس آن قانون اساسی برای دوران گذار نوشته شود. براساس توافق صورت گرفته مدت دوره انتقالی به دو سال باید کاهش پیدا می کرد و فرماندهی نیروهای مسلح نیز به نخست وزیر داده می شد. همچنین با توجه به لائیک بودن مدنی‌ها در قانون اساسی هیچ نامی از اسلام در این قانون برده نشده بود.

این امر منجر به این شد که برخی از گروه‌های مدنی که عمدتاً اسلام گراها بودند اعلام کنند که به دلیل عدم حضور در مذاکرات گروه‌های مدنی این توافقنامه را قبول نداشته و پافشاری بر نوشتن یک قانون جدید کنند. در همین مقطع ژنرال برهان نیز از گروه‌های مدنی که این ادعا را داشتند حمایت و اعلام کرد که این گروه‌ها نیز باید در مذاکرات حضور داشته باشند و گروه‌های مسلح همچون دعم‌السریع به ریاست حمدیتی نیز باید در یک بازه زمانی دوساله در نیروهای مسلح یا همان ارتش ادغام شوند. این



مساله منجر به بروز اختلافات بین برهان و حمیدتی شد. حمیدتی اعلام کرد که شرط برهان برای ادغام در ارتش مورد قبول است اما بازه زمانی آن را قبول ندارد و به جای یک بازه دو ساله، یک بازه ده ساله برای ادغام در نظر گرفته شود که با مخالفت برهان مواجه شد و آتش درگیری‌ها از همین نقطه شروع شد. بنابر این اختلاف‌ها، حمیدتی تصمیم گرفت که نیروهای واکنش سریع به دلیل اختلافات با ارتش به سمت خارطوم حرکت کنند و با ارتش درگیر شوند و همین عاملی در جهت تنش‌های کنونی شده است. لازم به ذکر است که خاستگاه اصلی نیروهای واکنش سریع غرب سودان و دارفور است. این در حالی است که ارتش بیشتر در خارطوم و شرق سودان متمرکز است و این مسأله عاملی در جهت عدم مقبولیت دعم‌السریع و حمیدتی در خارطوم است.

### **نقش بازیگران خارجی**

بحران سودان یک بُعد آن بازیگران داخلی هستند که به طور مبسوط به آن پرداخته شد. اما نقش بازیگران خارجی و منافی که آنها در سودان دارند را نباید نادیده گرفت. بر همین اساس می‌توان نقش بازیگران ذیل را بر اساس اهداف و منافع مورنظر طبق شرایط فوق بررسی کرد.

## ۱- روسیه

یکی از موضوعاتی که بر روی آن بحث زیادی صورت گرفته، بحث ارتباط نیروهای واگنر روسیه با حمیدتی است که به نوعی حلقه وصل ژنرال خلیفه حفتر در لیبی با حمیدتی هم هستند. در بحث چرایی حمایت روسیه از حمیدتی و کلاً بحث دلایل حمایت روسیه از بحران در سودان باید به چند علت اشاره کرد:

الف) استراتژی روسیه از سالیان گذشته بر این امر استوار بوده که بر نقاطی که تحت کنترل دولت‌های اروپایی است، تسلط پیدا کند. این امر خود را در مقاطع مختلف و به ویژه در جنگ لیبی نیز خود را نشان داد.

ب) روسیه به دنبال دورکردن نگاه‌ها از جنگ فعلی با اوکراین است و هر نوع بحران در هر نقطه‌ای را که منافع غربی‌ها به آن گره زده شده باشد را به سود خود می‌داند. سودان اکنون می‌تواند این چنین وضعیتی را برای روسیه ایجاد کند و تمرکزها را از سمت بحران اوکراین به سمت سودان تغییر جهت دهد.

ج) نوع بحران در کشورهای آفریقایی مسیر مهاجرت به سمت کشورهای اروپایی را فراهم می‌کند و همین عاملی در جهت مخاطرات

امنیتی برای غرب است. در نتیجه مسکو از این حربه برای تاثیرگذاری بر اروپا استفاده می‌کند.

د) بحران در سودان اثرگذاری مستقیمی بر آبراه‌های استراتژیک دارد و در این میان تاثیرگذاری مستقیمی بر دریای سرخ دارد که انتقال انرژی و کالا را به اروپا مختل می‌کند و تنش در این منطقه منجر به وابستگی بیشتر اروپا به روسیه می‌شود.

و) از آنجایی که بعد از جنگ روسیه و اوکراین، مسأله انرژی به یکی از مسائل اصلی تبدیل شده، بحران سودان می‌تواند این تاثیرگذاری را بیشتر کند. زیرا یکی از موارد مهم در بحث انرژی در سودان خط لوله‌ای است که از سودان جنوبی به خارطوم و از آنجا به دریای سرخ منتهی می‌شود که این خط لوله نقش ویژه‌ای برای کشورهای اروپایی و به ویژه فرانسه دارد، زیرا ۷۵ درصد نفت سودان در جنوب یا همان سودان جنوبی است. بنابراین روسیه از بحران فعلی برای تاثیرگذاری بر کشورهای اروپایی به ویژه بحث انرژی نیز استفاده خواهد کرد.

## ۲- رژیم صهیونیستی

رژیم صهیونیستی از سال ۲۰۱۹ میلادی به سمت عادی سازی روابط با کشورهای عربی حرکت کرده و این عادی سازی را در سه مرحله پیگیری می‌کند. گام اول عادی سازی در عرصه سیاسی، گام دوم در بحث امنیتی و نهایتاً در عرصه اجتماعی است. در مقطع فعلی ارتباط این رژیم با سودان در مرحله سیاسی است و مترصد اجرایی شدن در ابعاد امنیتی و اجتماعی است. در سودان به دلایل گذار فعلاً بحث امنیتی به منصفه ظهور نرسیده است. در ابعاد اجتماعی نیز این رژیم برای به ثمر نشان دادن روابط خود یا باید هویت‌های معارض با هویت فعلی در کشورهای هدف ایجاد کند یا هویت‌های غیراسلامی تشکیل دهد. براساس همین مولفه است که گفته می‌شود اسرائیل به دنبال تجزیه سودان و تقسیم آن به ۴ منطقه جغرافیایی است که در این صورت اولاً با هویت‌های متعارض و ثانیاً هویت‌های غیراسلامی مواجه خواهد بود. بنابراین راهبرد اسرائیلی‌ها این است که یک فرد با هویت جدید و ضدیت با اسلام‌گراها و سودان‌های کوچک ایجاد شود تا بتواند سطح لایه‌بندی امنیتی و اجتماعی خود را به منصفه ظهور برساند.

اکنون هم ژنرال برهان و هم حمیدتی رابطه خوبی با اسرائیل دارند و هرکدام از آنها برای این رژیم تفاوتی ندارد. اما یک سؤال که مطرح می‌شود این است که باتوجه به مطلوبیت هر دو نفر، چرا موضع‌گیری رسمی توسط این رژیم صورت نمی‌گیرد؟ این امر بنابر دلایل ذیل است:

- باتوجه به نزدیکی هر دو فرد به اسرائیل و معلوم نبودن شرایط میدانی و پیروزی یکی از طرفین، راهبرد اسرائیل مبتنی بر عدم موضع‌گیری خاص است.

- باتوجه به حوزه نفوذ ژنرال برهان در مناطق شرقی سودان که منتهی به دریای سرخ نیز می‌باشد، این موضوع برای صهیونیست‌ها از اولویت زیادی برخوردار است و تمایلی ندارند که موقعیت و منافع خود را دریای سرخ به خطر بیاندازند. یکی از دلایلی که رژیم صهیونیستی تمرکز ویژه‌ای بر روی سودان کرده، بحث کنترل بنادر سودان در دریای سرخ در جهت جلوگیری از ورود تسلیحات مقاومت به غزه است که این امر اهمیت بیشتری نسبت به سایر موضوعات برای صهیونیست‌ها دارد. همچنین اسرائیل در سایه تحولات فوق، ترس از دست دادن پایگاه دوم

خود پس از خلیج فارس و نزدیکی به بحرین و امارات در همجواری باب المندب و دریای سرخ دارد.

تجزیه سودان و تبدیل شدن آن به ۴ منطقه (دارفور، کردفان، خارطوم و مناطق شمال شرقی سودان) لایه‌بندی اجتماعی را برای صهیونیست‌ها فراهم خواهد کرد و درگیری‌های فعلی بهترین سناریو برای این رژیم است. در صورت عدم تجزیه سودان، سناریوی بعدی صهیونیست‌ها این است که غرب سودان را همانند کردستان عراق حداقل به صورت مستقل در اختیار حمیدتی قرار دهند. یعنی هم برهان را در شرق داشته باشند و هم حمیدتی را در غرب که بتوانند در بستر عادی سازی روابط، اهداف خود را پیگیری نمایند.

### ۳- آمریکا و انگلستان

انگلستان، مصر و سودان را به عنوان مستعمره‌های خود می‌داند و نقش آفرینی فعلی خود را در سودان با بازیگری آمریکا انجام می‌دهد. آمریکا نیز از بحران فعلی به دنبال چند هدف است:

- آمریکا از وضعیت سودان برای تاثیرگذاری بر بازیگری چین و روسیه استفاده خواهد کرد.

- چین براساس پروژه یک کمربند- یک جاده مسیرهای دریایی و زمینی برای آن ارزش زیادی دارد و این مسیرها تاثیرگذار بر مسیر تجارت جهانی هستند که یکی از مهمترین این شبکه‌ها و مسیرها دریای سرخ و قاره آفریقا است. قاره آفریقا یک بازار مهم برای چینی‌ها از نظر مصرف و منابع معدنی است که چین مترصد تبدیل کردن این منابع به آورده است. از طرفی جمعیت این قاره در سال ۲۰۵۰ به دو و نیم میلیارد نفر خواهد رسید که یک بازار مصرف بزرگ برای چینی‌ها است. اکنون آمریکایی‌ها به دنبال آن هستند که با ایجاد بحران‌های خودساخته این مسیرها را برای طرح یک کمربند - یک جاده چینی‌ها با چالش مواجه کنند. در نتیجه آمریکایی‌ها برای اینکه بتوانند بر چین غلبه کنند دو راهکار را به اجرا گذاشته اند:

الف) ایجاد بحران برای عدم رسیدن اجرای طرح چین که مبتنی بر یک کمربند- یک جاده است؛

ب) روی کارآمدن افرادی که رویکرد سیاسی به چین نداشته باشند.

### ارزیابی نهایی

بحران سودان بیش از آنکه منشاء داخلی داشته باشد، بیشتر براساس نقش بازیگران خارجی و منافع آنها طرح‌ریزی شده است. منافع بازیگران خارجی نیز در تداوم بحران در سودان است و براساس سه سناریو یعنی

تفاهم سیاسی، ادامه جنگ و تقسیم قدرت می‌توان سناریوی اصلی را تقسیم قدرت دانست که حمیدتی در غرب سودان و برهان در شرق سودان متمرکز شوند. زیرا اکنون از نظر تعداد نیروی انسانی گروه دعم‌السریع ۱۵۰ هزار نفر هستند و در مقابل ارتش ۲۰۰ هزار نفر هستند. اما از نظر تجهیزات وضعیت گروه نیروی واکنش سریع بهتر است و سابقه جنگ چریکی دارند و تنها تفاوت آنها در عرصه هوایی است که ارتش دارای نیروی هوایی است، اما دعم‌السریع نیروی هوایی ندارد. البته به علت ساخت قبیله‌ای سودان، حمیدتی در شرق سودان خاستگاه و پایگاهی ندارد و همین عوامل منجر به این شده است که سناریوی سوم یعنی تقسیم قدرت به واقعیت نزدیک‌تر است.